

# فلسفه هانا آرنٹ

پاتریشیا آلتبرند جانسون

ترجمه

خشایار دیهیمی

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۳۹۹

## فهرست

پیشگفتار مجموعه / هفت

### ۱. از تولد تا مرگ / ۱

شروع زندگی در آلمان / ۲ □ کونیگسبرگ / ۲ □ سال‌های دانشگاه / ۵ □  
سال‌های زندگی در فرانکفورت و نقل مکان به برلین / ۷ □ سال‌های اقامت در  
فرانسه و اهمیت مسئله هویت یهودی / ۱۱ □ شروع دوباره در ایالات متحده /  
۱۶ □ ارتباط با زبان انگلیسی / ۱۶ □ دوره بعد از جنگ / ۱۸ □ استقرار کامل در  
ایالات متحده / ۲۰ □ تأملاتی دربارهٔ تعلیم و تربیت امریکایی / ۲۲ □ محاکمه  
آیسمان / ۲۵ □ سال‌های ریورساید در ایو / ۲۷ □ آخرین آغاز / ۲۹ □

### ۲. توتالیتراریسم / ۳۱

یهودستیزی / ۳۲ □ مقدمات سیاسی و اقتصادی یهودستیزی / ۳۳ □ جامعه و  
هویت یهودی: مطرود و نودولت / ۳۴ □ ماجرای درفوس / ۳۷ □ امپریالیسم /  
۳۸ □ تفکر نژادی و نژادپرستی / ۳۹ □ بوروکراسی و نهضت‌های «پان» / ۴۰ □  
حقوق بشر / ۴۱ □ توتالیتراریسم / ۴۲ □ روان‌شناسی توده‌ای / ۴۲ □  
ویژگی‌های توتالیتراریسم / ۴۴ □ درک «توفان شن» و مقاومت در برابر آن / ۴۷ □

### ۳. وضع بشری / ۴۹

عمومی، خصوصی، اجتماعی / ۵۰ □ قلمرو خصوصی و قلمرو عمومی / ۵۱ □  
قلمرو اجتماعی / ۵۴ □ زحمت، کار، و عمل / ۵۸ □ زحمت و مصرف‌گرایی  
/ ۵۹ □ کار و بازار مبادله / ۶۰ □ عمل و حوزهٔ بروز / ۶۳ □ اندیشیدن به آنچه  
می‌کنیم / ۶۸ □ عصر مدرن / ۶۸ □ جهان مدرن و اهمیت تفکر / ۷۰ □

## از تولد تا مرگ

هانا آرنت در ژوئیه ۱۹۲۶ به معلم و دوستش، کارل یاسپرس<sup>۱</sup>، نوشت: «تلاش می‌کنم از منظری که تجربه شخصی‌ام به من داده است تاریخ را تفسیر کنم و بفهمم چه چیزی در تاریخ به بیان درآمده است» (نامه اول). تجربه آرنت او را به این اعتقاد و باور رساند که هرچند همه انسان‌ها باید بمیرند، اما هر انسانی به دنیا می‌آید تا از نو آغاز کند. در وضع بشری<sup>۲</sup> می‌نویسد:

امور بشری اگر به حال خود رها شوند نمی‌توانند جز از قانون مرگ پیروی کنند، یعنی یقینی‌ترین و یگانه قانون مطمئن در زندگی از تولد تا مرگ. آنچه در این قانون دست‌کاری می‌کند قوه عمل است... (246).

قوه عمل انسان‌ها را قادر می‌کند روند و روال زندگی را قطع کنند و طرح‌های نو دراندازند. آرنت با تفسیر زندگی از منظر چنین

1. Karl Jaspers

2. *The Human Condition*

دور-نگاهی<sup>۱</sup> در اعصار ظلمانی امیدش را حفظ کرد و توانست زندگی را در موقعیت‌های تازه و مکان‌های تازه از سر بگیرد.

### شروع زندگی در آلمان

هانا آرنست در چهاردهم اکتبر ۱۹۰۶ به دنیا آمد. پدر و مادرش، پُل<sup>۲</sup> و مارتا<sup>۳</sup>، به این فرزندشان یوهانا<sup>۴</sup> نام دادند، اما از همان آغاز همه هانا صدایش می‌کردند. اگرچه هانا در خانواده‌ای پُر از عشق و محبت زاده شد، اما از همان سنین کودکی اندوه و پریشیدگی عمیقی به زندگی‌اش راه یافت.

### کونیگسبرگ

پدر و مادر هانا، هر دو، یهودی و از تبار آنهایی بودند که در کونیگسبرگ در پروس شرقی مأوا گزیده بودند. زمانی که هانا سه ساله بود، خانواده‌اش به کونیگسبرگ بازگشت زیرا پدرش گرفتار بیماری سیفلیس شده بود. در ۱۹۱۱ او را در بیمارستان بستری کردند و در ۱۹۱۳ هم درگذشت. در همین سال، ماکس آرنست<sup>۵</sup>، پدر بزرگ هانا، هم درگذشت. در اوت ۱۹۱۴، مارتا آرنست، از ترس حمله روس‌ها، دخترش را برداشت و به برلین گریخت. اما همان سال باز توانستند به کونیگسبرگ بازگردند و سال‌های جنگ جهانی اول را در ثباتی نسبی سپری کنند. مارتا آرنست در خانه مستأجر

1. vision
2. Paul
3. Martha
4. Johanna
5. Max Arendt